

یادداشت

نرخ سود، کلید مهار تورم



حسن نائی

کارشناس مسائل اقتصاد

حجم نقدینگی در پایان فروردین ۱۴۰۱ نسبت به پایان سال گذشته ۲۰۰درصد کاهش یافته است. همچنین نرخ رشد دوازده ماهه نقدینگی در فروردین سالجاری ۳۵٫۶درصد بوده است. یکی از راهکارهای شناخته شده اقتصادی برای کنترل تورم، افزایش نرخ سود بانکی است. نرخ سود سپرده‌ها در کشور حدود ۶سال است که بدون تغییر مانده، اما شرایط پیش روی کشور افزایش نرخ سود سپرده و کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی را می‌طلبد، زیرا افزایش نرخ سود سپرده بانکی می‌تواند در کنترل بازارها موثر باشد. البته از طرفی هم افزایش سود بانکی مانعی برای رونق بخش تولید محسوب می‌شود و نباید به میزانی باشد که تولیدکننده را به‌جای سرمایه‌گذاری در تولید به سرمایه‌گذاری در بانک‌ها ترغیب کند. از سوی دیگر اگر نرخ سود بانکی به زیر ۲۳درصد کاهش یابد، ممکن است در روندی معکوس آثار تورمی بسیار شدیدی بر جای بگذارد. همچنین بانک‌ها، نرخ سود تسهیلات را پایین نمی‌آورند، زیرا با بالا بودن نرخ سود تسهیلات می‌توانند زبان‌های خود را جبران کنند. چنانچه نرخ اعلامی برای سود در بازار بین‌بانکی کاهش یابد، اتفاق خوبی برای بازار سرمایه به‌شمار می‌رود و نمی‌توان انتظار داشت برای حمایت از بخشی از اقتصاد مانند بازار سرمایه نرخ سود تغییر یابد، اما سایر بخش‌ها بدون تغییر بماند. در واقع این کار باعث می‌شود نرخ در سایر بازارها نیز دستخوش تغییر شود؛ به‌عبارت دیگر با این اقدام قیمت‌ها در بازار سهام، ارز، مسکن و همه تصمیمات مصرفی خانوارها تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. بنابراین موضوع کاهش نرخ سود بانکی حتی اگر باهدف حمایت بنابر این موضوع کاهش نرخ سود بانکی صورت گیرد در بازارهای موازی، با آثار منفی همچون رشد تورم همراه خواهد بود. پس به‌طور قطع در شرایط کنونی نرخ سود بانکی باید اندکی افزایش یابد، زیرا به‌طور حتم کاهش نرخ سود بانکی، نیازمند ایجاد بستر حمایت از تولید داخلی و هدایت نقدینگی به سمت تولید و بنگاه‌های کوچک و بزرگ است، وگرنه در صورتی که کسب سود در بازارهای سنته‌بازی همچون ارز رونق داشته باشد، نمی‌توان انتظار تزریق منابع سپرده‌های بانکی به سمت تولید را داشت. از سوی دیگر، یکی از ملزومات افزایش نرخ سود بانکی در اقتصاد، کاهش انتظارات تورمی است؛ موضوعی که می‌تواند در صورت تحقق، نرخ سود بانکی را متناسب با رونق اقتصادی به‌وجود آمده، پلکانی کاهش دهد. کاهش نرخ سود باعث کاهش نرخ تمام‌شده پول بانک‌ها و نکول وام‌های بانکی می‌شود؛ در نتیجه وضعیت سودآوری و ترازنامه بانک‌ها بهبود می‌یابد. از سوی دیگر کاهش جذابیت سپرده‌گذاری در بانک‌ها باعث تمایل صاحبان منابع مالی به فعالیت اقتصادی می‌شود، چرا که صاحبان سرمایه سعی دارند ارزش دارایی خود را حفظ کنند و در کنار آن سودی نیز به‌دست آورند، اما تمام اینها در شرایطی حاصل می‌شود که نرخ سود سپرده و نرخ تورم با هم اختلاف معناداری نداشته باشند. نرخ سود یکی از عوامل اقتصادی کلان و دارای اهمیت در هر کشوری است. بانک مرکزی براساس شرایط اقتصادی، نرخ سود را تعیین می‌کند و امور مالی و بانکی را رستایی این نرخ صورت می‌پذیرد. نرخ سود برای جلوگیری از کاهش ارزش پول در بازه پرداختی امروز و دریافتی آینده، استفاده می‌شود. اغلب نرخ سود مثبت است که انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری در فرصت‌های جامعه ایجاد می‌کند. هرچه وضعیت اقتصادی و شرایط بازار بهتر باشد، انتظار برای دریافت سود بیشتر نیز بالاتر است، اما در شرایطی که بازار ثبات نداشته باشد سرمایه به‌جای اینکه از طریق بانک‌ها به سمت تولید هدایت شوند به بازارهای معامله‌گری هدایت می‌شوند و همین موضوع اقتصاد کلان را از رونق خارج می‌کند.

نگره

غلامرضا ظریفیان مطرح کرد:

گسترش ارتباط اقتصادی با دنیا

وضعیت اقتصادی این روزهای کشور خوب نیست و آنچه در مقام عمل می‌بینیم بالا رفتن تورم و کاهش قدرت خرید مردم است اما چه باید کرد؟ یک فعال سیاسی اصلاح‌طلب درباره این موضوع اظهار داشت: واقعیت این است که اقتصاد ایران یک اقتصاد سیاسی است و تحولات سیاسی تأثیر عمده‌ای بر اقتصاد می‌گذارد. اقتصاد ایران از دیرباز دارای بیماری بوده است زیرا متکی به نفت است. از زمانی که نفت در ایران کشف شد تا امروز همواره اقتصاد کشور وابستگی مستقیم به نفت داشته است؛ در تمام برنامه‌های اقتصادی هم این موضوع مشهود بوده است و بدرغم تلاش‌های صورت گرفته برای به‌آیندین اقتصاد از وابستگی به نفت، اما این مهم محقق نشده است. بعد از انقلاب با وجود تأکیدات بسیار برای حرکت به سمت اقتصاد بدون نفت اما به دلایل سیاسی، اقتصادی و حتی فرهنگی این موضوع رخ نداد و همچنان نفت به عنوان مهم‌ترین عنصر تعیین‌کننده در اقتصاد ایران است. غلامرضا ظریفیان گفت: بخشی از اقتصاد کشور متأثر از نوع سیاست‌ها، رویکردها و خطاهای استراتژیکی است که رخ می‌دهد و می‌بینیم که در دولت‌های مختلف سطح پیشرفت یا پسرفت اقتصادی متفاوت است و هنگامی که از نیروهای توانمند استفاده می‌شود، مشکلات اقتصادی کمتر و پیشرفت‌ها بیشتر می‌شود و حالت عکسش هم صادق است. برای مثال وقتی نیروهایی در حوزه اقتصاد می‌آیند که باور دارند باید با دنیا ارتباطی سازنده برقرار کنیم، متفاوت از کسانی که می‌کنند که باور به ارتباط با دنیا ندارند. این تحلیلگر مسائل سیاسی همچنین بیان کرد: دولت کنونی علاوه بر آنکه رنج تاریخی اقتصاد ایران را بر دولت دارد، اما در عین حال از نیروهای توانمندی در حوزه اقتصاد هم بهره‌نبرده است. اقتصاد ایران نیازمند نیروهای کارآمد و توانمند است اما در دوره اخیر به سراغ کسانی رفته‌اند که شاید تحصیلات دانشگاهی داشته باشند اما تجربه عینی ندارند. ظریفیان در پایان تصریح کرد: ما باید بدبیریم که در قرن بیست و یکم نمی‌توانیم بدون ارتباط اقتصادی تعامل اقتصادی با جامعه بین‌المللی کارها را پیش ببریم. حتماً می‌پذیریم که باید ظرفیت‌های داخلی خودمان را تقویت کنیم اما این موضوع نافی ضرورت ارتباط با دنیا نیست. ما نمی‌توانیم دریم چز آنکه دو موضوع را در دستور کار قرار دهیم؛ نخست استفاده از نیروهای توانمند، باتجربه و با دانش اقتصادی و دوم گسترش ارتباط اقتصادی با کشورهای مختلف دنیا.

به جای تغییر تیم اقتصادی باید سیاست‌ها را تغییر داد

رئیس کل بانک مرکزی به جای ریشه سراغ شاخ و برگ‌ها نرود

مشکلات اقتصادی را نمی‌توان با معجزه حل کرد

مشکلات معیشتی مردم باید به صورت ریشه‌ای حل شود

تازمانی که زیرساخت‌های اقتصادی اصلاح نشود به هیچ توافقی نمی‌توان دلخوش بود

بازار ارز را با خط کشی‌های محکمی اداره کرده‌ایم

باید در بازار ارز انعطاف به وجود بیآوریم

افزایش نقدینگی و سرعت رشد پول، عوامل اصلی به هم ریختگی اقتصاد است

باید اسلحه فشار اقتصادی را از کشورهای غربی بگیریم



مهدی طغیانی، سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

آرمان ملی – احسان انصاری: مجلس شورای اسلامی چه برنامه‌ای برای بهبود وضعیت اقتصادی مردم دارد؟ از رزایی مجلس از ریشه‌های نابسامانی بازار ارز چیست و چه راهکاری برای آن در نظر دارد؟ آیا مجلس به این‌بابور رسیده که تیم اقتصادی دولت باید تغییر کند؟ مجلس شورای اسلامی در صورت به نتیجه نرسیدن برجام چه آلت‌رناژیوی دارد؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با دکتر مهدی طغیانی، سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی گفت‌وگو کرده است. طغیانی معتقد است: «قرار نیست در کشور معجزه صورت بگیرد و یکباره وضعیت اقتصادی مردم تغییر کند. تازمانی که نتوان رشد نقدینگی را در کشور مدیریت کرد نمی‌توان تورم را کنترل کرد یا بازار ارز را مدیریت کرد. تنها با اصلاح ریشه مشکلات اقتصادی می‌توان شرایط را تغییر داد. اصلاح ریشه‌هاییز به مواردی بستگی دارد که عنوان کردم. دولتی که در آمد مالیاتی ندارد و انواع قرارها و کتمان‌های مالیاتی در کشور رخ می‌دهد و در عمل مجبور به خلق بدهی می‌شود و بدهی‌ها نیز روی هم انباشته می‌شود سبب کاهش ارزش پول ملی و تورم در کشور می‌شود. مجلس موظف است این اصلاحات را انجام بدهد و در این مسیر نیز حرکت می‌کند. اینکه مجلس در این زمینه‌ها به چه میزان موفق شود به عزم نمایندگان مجلس و اجرای مناسب سیاست‌ها بستگی دارد.» در ادامه حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

رئیس جدید بانک مرکزی در ابتدای کار خود قرار دارد. چه چالش‌ها و فرصت‌هایی پیش روی آقای فرزین مشاهده می‌کنید و معتقدید وی چه باید‌ها و نباید‌هایی را باید در دستور کار خود قرار بدهد؟

ما دارای چرخه اقتصادی معیوبی هستیم. به همین دلیل

مسائلی مانند افزایش نقدینگی و سرعت رشد پول به عنوان عوامل اصلی بهم ریختگی اقتصادی ما نقش آفرینی می‌کنند. هنگامی که خلق پول زیاد است و از سوی دیگر رشد نقدینگی افزایش پیدا کرده است این وضعیت می‌تواند روی بازارهای مختلف تأثیر بگذارد و به آنها آسیب بزند. این وضعیت به خصوص درباره بازارهایی که تحت تأثیر تحریم قرار دارند مانند بازار ارز بیشتر مشهود است. بازار ارز یکی از بازارهایی است که مستعد آسیب

دیدن است و به همین دلیل ورود نقدینگی این بازار را با چالش مواجه می‌کند. به همین دلیل من معتقدم رئیس جدید بانک مرکزی نباید از این مسائل غافل باشد و نباید به جای ریشه سراغ شاخ و برگ‌ها برود. مشکلات امروز اقتصاد کشور به دلیل افزایش نقدینگی است و باید ریشه مشکلات دیگر را در این موضوع جست‌وجو کرد. این موضوعی نیست که تنها رئیس بانک مرکزی باید روی آن متمرکز شود، بلکه همه بخش‌های دولت باید به این موضوع دقت کنند و تلاش کنند راهکار مناسب را برای آن پیدا کنند. تیم اقتصادی دولت در وزارت اقتصاد و سازمان برنامه و بودجه باید دست‌به‌دست هم بدهند تا مشکلات ریشه‌ای اقتصاد کشور را حل کنند. مشکلات ریشه‌ای خود را در بازار ارز، خودرو و مسکن نشان می‌دهند. هنگامی که نقدینگی به صورت گسترده وارد اقتصاد کشور می‌شود مانند یک سیل ویرانگر اقتصاد کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در هفته‌های اخیر که قیمت ارز با نوسان‌های زیادی همراه بود و به بالای ۴۰ هزار تومان رسید گمانه‌زنی‌های زیادی درباره آینده بازار ارز در کشور به وجود آمد. با توجه به شرایط موجود دولت چگونه می‌تواند وضعیت بازار ارز را مدیریت کند؟

ما بازار ارز را به خصوص از سال ۹۷ به بعد با خط کشی‌ها و چارچوب‌های محکمی اداره می‌کنیم. نیازهای ارزی در حوزه‌های مختلف وارد بازار غیررسمی می‌شود. بازار غیررسمی نیز تا به این اندازه کشش ندارد. به ویژه زمانی که تقاضا برای سرمایه نیز افزایش پیدا می‌کند در عمل بازار تلاش می‌کند خود را از بازارهای غیررسمی تأمین مالی کنند. به همین دلیل فشار زیادی به این بازارها وارد می‌شود. به همین دلیل به نظر می‌رسد باید در بازار ارز انعطاف به وجود بیاید. در این زمینه ما پیشنهاداتی را در مجلس به رئیس سابق بانک مرکزی ارائه کردیم. در شرایط کنونی نیز باید رویه‌ها و سیاست‌ها را تغییر داد و زیاد تفاوتی نمی‌کند که افراد چه رویکردی در مدیریت بانک مرکزی در پیش می‌گیرند. قبل از اینکه آقای فرزین به عنوان رئیس کل بانک مرکزی انتخاب شوند در گزارشی که در مجلس تهیه کرده بودیم به این نکته تأکید کردیم که ۲۰ قانون احکام دائمی نظام ارزی کشور را شناور مدیریت شده معرفی می‌کند. این شناور بودن باید با توجه به واقعیت‌های بازار ارز و اقتصاد کشور نتایجش نباشد. نباید به سمت نرخ‌های اسمی

حرکت کنیم که پس از مدتی برای حفظ آنها بخش زیادی از منابع کشور از بین برود. ما این تجربه را در گذشته داشته‌ایم. یکی از آنها ارز ۴۲۰۰ تومانی بود که با هزینه زیادی از چرخه اقتصاد کشور حذف شد. به همین دلیل نباید این تجربیات را تکرار کنیم حتی اگر بخواهیم با تجربه مبادله‌ای نیما این کار را انجام بدهیم. اگرچه کشور در حوزه ارزی به ثبات نیاز دارد اما این ثبات به معنای نرخ ثابتی نیست. به خصوص در شرایط کنونی که عوامل مختلفی در اقتصاد کشور تغییر ایجاد می‌کنند. نرخ تورم و رشد شدید نقدینگی از عوامل اصلی این اتفاقات است که باید به آن توجه کرد.

موضوع تغییر در تیم اقتصادی دولت به صورت جدی مطرح است. به نظر شما تغییر در تیم اقتصادی دولت به خصوص در وزارت اقتصاد و سازمان برنامه و بودجه به چه میزان ضروری به نظر می‌رسد؟

من معتقدم بیش از آنکه به فکر تغییر افراد باشیم باید رویکرد‌ها و سیاست‌ها را تغییر بدهیم. اگر هر فرد جدیدی هم سر کار بیاید و تلاش کند سیاست‌های اشتباهی را در پیش بگیرد مشکلات ما حل نخواهد شد. ضمن اینکه درباره تیم اقتصادی آن چیزی که رئیس‌جمهور بررسی می‌کند و تشخیص می‌دهد حائز اهمیت است. در هفته‌های اخیر آقای رئیسی با توجه به شرایط بازار ارز و وضعیت اقتصادی کشور به این نتیجه رسیدند که رئیس کل بانک مرکزی باید تغییر کند که این تصمیم را گرفتند و آقای فرزین را به جای آقای صالح‌آبادی قرار دادند. من معتقدم باید اجازه داد رئیس دولت براساس بررسی و ارزیابی که از تیم اقتصادی دولت دارد در این زمینه تصمیم‌گیری کند. این در حالی است که مهم‌تر از تغییر افراد باید سیاست‌ها را تغییر داد و آنها را اصلاح کرد. اگر افراد سیاست‌های اشتباهی را در پیش گرفته‌اند باید شرایطی را به وجود آورد که سیاست‌ها اصلاح شود.

یکی از عوامل اصلی اعتراضات اخیر در کشور مسائل اقتصادی و مشکلات معیشتی مردم بود. مجلس شورای اسلامی برای بهبود وضعیت اقتصادی مردم در دوران پسا اعتراضات چه برنامه‌ای دارد؟

برای بهبود وضعیت معیشتی مردم باید سراغ ریشه‌ها برویم. ریشه مشکلات اقتصادی امروز کشور چالش‌های موجود در زیرساخت‌ها مانند زیرساخت‌های مالیاتی، زیرساخت بودجه‌ای، وضعیت هانجرا مدیریت بدهی دولت و بدهی‌هایی است که دولت به اشکال مختلف خلق می‌کند. این اتفاقات در مجموع باعث تورم در کشور می‌شود. اگر قرار است اتفاق مثبتی در وضعیت اقتصادی کشور رخ بدهد این مسائل را باید حل و یا اصلاح کرد. مجلس شورای اسلامی در برخی زمینه‌ها کارهای مهمی را آغاز کرد. یکی از این کارها اصلاح قانون بانک مرکزی است که این رویکرد می‌تواند به بانک مرکزی برای برخورد با تخلفات بانک‌های کشور نقش

موثری داشته باشد. موضوع دیگر اصلاح نظام مالیاتی بود که در شرایط کنونی نیز این اتفاق در حال رخ دادن است. نکته دیگر تلاش برای مدیریت بهتر بدهی‌هاست. بدون تردید حل شدن این مشکلات باید به صورت ریشه‌ای باشد و تازمانی که مشکلات به صورت ریشه‌ای حل نشود نمی‌تواند از بهبود وضعیت معیشتی مردم سخن گفت. قرار نیست در کشور معجزه صورت بگیرد و به یک‌باره وضعیت اقتصادی مردم تغییر کند. تا زمانی که نتوان رشد نقدینگی را در کشور مدیریت کرد نمی‌توان تورم را کنترل کرد و یا بازار ارز را مدیریت کرد. تنها با اصلاح ریشه مشکلات اقتصادی می‌توان شرایط را تغییر داد. اصلاح ریشه‌ها نیز به مواردی بستگی دارد که عنوان کردم. دولتی که درآمد مالیاتی ندارد و انواع قرارها و کتمان‌های مالیاتی در کشور رخ می‌دهد و در عمل مجبور به خلق بدهی می‌شود و بدهی‌هاییز روی هم انباشته می‌شود سبب کاهش ارزش پول ملی و تورم در کشور می‌شود. مجلس موظف است این اصلاحات را انجام بدهد و در این مسیر نیز حرکت می‌کند. اینکه مجلس در این زمینه‌ها به چه میزان موفق شود به عزم نمایندگان مجلس و اجرای مناسب سیاست‌ها بستگی دارد. بدون تردید اجرای مناسب نیز بخشی از اصلاح سیاست‌گذاری‌هاست و باید به آن توجه کرد.

آقای رئیسی عنوان می‌کردند که سفره مردم را به برجام گره نخواهند زد. این در حالی است که با اتفاقاتی که در کشور رخ داده وضعیت

اقتصادی مردم روز به روز بدتر شده و مردم با چالش‌های بیشتری مواجه هستند. از سوی دیگر آینده برجام نیز مشخص نیست و با توجه به شرایط موجود حداقل در کوتاه‌مدت برجام احیا نخواهد شد. در چنین شرایطی چه چشم‌اندازی پیش روی اقتصاد کشور می‌بینید؟

کشورهای غربی بر این باور هستند که با فشارهای اقتصادی می‌توانند به اهداف خود دست پیدا کنند. به همین دلیل نیز ایران را در وضعیت تحریم قرار داده‌اند. این در حالی است که تازمانی که زیرساخت‌های اقتصادی اصلاح نشود نمی‌توان به هیچ قرارداد یا توافقی دلخوش کنیم. تجربه تاریخ نشان داده هیچ‌گاه کسی که از فشار به نتیجه رسیده باشد دست از آن فشار بر نمی‌دارد. ما باید مطمئن باشیم که طرف مقابل دست از فشار اقتصادی بر نخواهد داشت مگر اینکه ما این اسلحه را از دست آن بگیریم و اجازه ندهیم از آن استفاده کند. ما باید زیرساخت‌ها را اصلاح کنیم و به یک اقتصاد قوی دست پیدا کنیم. در چنین شرایطی طرف مقابل به این نتیجه خواهد رسید که از طریق فشار اقتصادی نمی‌تواند به این نتیجه برسد. در چنین شرایطی است که برجام و یا هر قرارداد دیگری به نتیجه خواهد رسید و کسی نمی‌تواند از آن خارج شود و همه برای حفظ آن تلاش می‌کنند. برجام یک توافق دو طرفه است و باید دو طرف آن را حفظ کنند. اینکه ما به تنهایی آن را حفظ نمی‌کنیم که کفایت نمی‌کند. در برجامی که امضا شد نیز ما به تعهدات خود پایبند بودیم و تا امروز نیز بوده‌ایم. این طرف مقابل بود که آن را نقض کرد و به صورت یک طرفه دوباره ایران را تحریم کرد. ما نباید رویکردی در پیش بگیریم که طرف غربی به این نتیجه برسد که از فشار اقتصادی به ایران به نتیجه رسیده است. من معتقدم استحکام و تدوام هر توافق و قرارداد بین‌المللی در گرو تقویت و تحکیم وضعیت اقتصاد کشور است. واقعیت این است که طرف مقابل اگر احساس کند از فشارهای اقتصادی و تحریم‌های علیه ایران به نتیجه رسیده به راحتی از این راه چشم پوشی نخواهد کرد و همواره از این حربه علیه ایران برای رسیدن به اهداف خود استفاده خواهد کرد.

نگره

پیامد وعده‌های بر زمین مانده

ایجاد سالانه یک میلیون شغل، ساخت چهار میلیون مسکن در چهار سال، ایجاد شغل تنها با یک میلیون تومان،، حل مشکلات بازتستنگان، مددجویان بهزیستی و معلمان، حل سه روز مشکل بازار سرمایه (قاضی زاده هاشمی)، خروج انحصار در صنعت خودرو و رسیدن به قیمت عادلانه در بازار، میدان دادن به بخش خصوصی، کنترل قیمت ارز، بهبود سرعت اینترنت و توسعه کسب و کارهای اینترنتی و بسیاری وعده‌های دیگر، مجموعه وعده‌هایی هستند که نامزد‌ها، وزرا و مسئولان دولت سیزدهم قبل و بعد از ورود به پاستور در شهریور ۱۴۰۰ به مردم داده‌اند. با در کنار هم قرار دادن این مجموعه وعده‌ها شاید این پرسش در ذهن خواننده متبادر شود که هدف از این کار چیست؟ پاسخ این پرسش رونمایی از مسالهای مهم است که تنها خاص این دولت نبوده و از گذشته بر سیستم مدیریت کشور سنگینی کرده است. بر کسی پوشیده نیست که طی سال‌های اخیر با هم‌افزایی‌ای از مشکلات در کشور مواجه هستیم. حال و روز تورم، قدرت خرید، اشتغال، بازار خودرو، مسکن، ارز، جامعه همواره در انتظار گشایشی و تغییری بزرگ در وضعیت اقتصادی است که وضعیت را سروسامان دهد، اما همچنان دویمینوی مشکلات ادامه پیدا می‌کند. در این بین، نکته قابل تامل واکنش برخی مسئولان به این مجموعه از مشکلات تحت عنوان دادن وعده‌های بزرگ به مردم است. وعده‌هایی که چشم‌انداز حل سریع، چکشی و موثر مشکلات را کانون توجه قرار می‌دهد. اما آنچه در عمل اتفاق می‌افتد، اجرایی‌نشدن اغلب این وعده‌ها و حتی تشدید مشکلات است. مسئولان با طرح وعده‌ها، قصد دارند امید را به جامعه تزریق کنند، اما حالا پرسش مهم این است که با بر زمین ماندن این وعده‌ها و شعارها، چه اتفاقاتی خواهد افتاد؟ و پیامدهای آن چیست؟

◀ **کاهش اعتماد عمومی**

در مطالعات جامعه‌شناختی، مولفه «اعتماد» یکی از شاخص‌های کلیدی برای گذار در مسیر توسعه و کارآمدی نظامی سیاسی مورد لحاظ قرار می‌گیرد. جلب اعتماد عمومی از سوی سیاستپون، یکی از ابزارهای قدرتمندی است که می‌تواند پشتوانه‌ای آنها برای پیشبرد امور باشد. به عبارتی، هر اندازه اعتماد عمومی به عملکرد نهادهای رسمی بالاتر باشد، نشانه صلابت و ثبات نظام سیاسی است. متأسفانه برخی از مسئولان با توسل به شعاردرمانی، تلاش کرده‌اند امید را به جامعه تزریق نمایند، اما با شکست در تحقق بخشیدن به وعده‌هایشان، یکی از مهم‌ترین مولفه‌های توسعه و کارآمدی نظام مدیریتی را به حاشیه برده‌اند. البته باید توجه داشت که کاهش اعتماد عمومی، خود نیز تأثیرات منفی دیگری بر جای خواهد گذاشت که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

◀ **افزایش کنش‌گری‌های متضاد**

با کاهش اعتماد عمومی، پدیده منفی دیگری که می‌تواند یک مشکل باشد، متوسل شدن جامعه به کنش‌گری متضاد است. زمانی که مردم عدم تحقق شعارها و وعده‌ها را تجربه می‌کنند، به وضعیتی بی‌اعتمادی نزدیک می‌شوند. در چنین وضعیتی نه تنها عمل به وعده‌های مسئولین از اهمیت خارج می‌شود، بلکه جامعه به سمت کنشگری متضاد در برابر برنامه‌های مسئولان پیش می‌رود. برای نمونه در روزهای که تورم سیر صعودی دارد، مسئولان از مردم می‌خواهند دلار نخرند یا سکه نخرند، چراکه افزایش نرخ‌ها حباب بوده و متضرر می‌شوند. اما مردم نه تنها وعده‌ها را نمی‌شنوند بلکه خلاف اظهارات مسئولان عمل می‌کنند.

◀ **انسجام اجتماعی**

در نتیجه مجموعه پیامدهای منفی مورد اشاره، رخدادی که در سطح جامعه اتفاق می‌افتد، تضعیف انسجام اجتماعی است. در مطالعات جامعه‌شناختی، همبستگی و انسجام اجتماعی یعنی گام برداشتن گروه‌ها و افراد مختلف به صورت آگاهانه و ارادی برای حفظ وحدت و وظیفه‌شناسی. اینکه اجزا یا افراد حاضر در یک ساختار در مسیر قوام‌بخشی و افزایش همبستگی حرکت کنند. بدون تردید، تحقق چنین امری در جامعه‌ای که در آن اعتماد عمومی اندک، کنشگری متضاد باشد، تحقق انسجام اجتماعی برای هر رخدادی دشوار است. در واقع، هم‌رنگی و هم‌نوازی در چنین جامعه‌ای پیچیده خواهد بود. یکی دیگر از نتایج منفی بر زمین ماندن وعده‌ها، افزایش عصبانیت است. در بستری که شهروندان باعدم وفای به عهد برخی مسئولانش مواجه شود، بیان اعتراض کمتر مسالمت‌آمیز خواهد بود و توسل به ابزارهای قانونی کمرنگ خواهد شد. در واقع، بخشی از جامعه خیابان را برای بیان ناراضایتی خود برمی‌گزینند. مسئولان باید به جای طرح وعده‌های بدون پشتوانه، به صورت واقع‌بینانه با گام‌های کوچک موثر در مسیر کارآمدی حرکت کنند و ظرفیت‌ها، منابع، مشکلات و البته راه‌حل‌های عینی را با جامعه به صورت شفاف در میان بگذارند. اینکه برخی مسئولان چنین بیندارند همچون «سوپرمن» چنان توانایی دارند که یکباره وضعیت را دگرگون کنند، نه تنها مثبت نیست، بلکه بر کلیت ساختار نیز هزینه تحمیل می‌کند. یعنی اشتباه هر فرد به عنوان مسئول تنها بر خودش تحمیل نمی‌شود، بلکه این کلیت ساختار است که با وعده شخص وزیر یا مسئول سنجیده می‌شود.